

میزگرد اقتصادی

اشاره:

با پایان جنگ تحمیلی، دولت موفق شد برای دستیابی به یکی از اهداف مهم اقتصادی، یعنی خروج از اقتصاد تک‌محصولی بر پایه نفت، برنامه‌هایی را تدوین کند و در این راستا برنامه اول توسعه و پس از آن دومین برنامه تدوین گردید. با این هدف که در پایان برنامه دوم، از محل صادرات غیرنفتی ۲۷/۵ میلیارد دلار درآمد ارزی به دست آورد که سهم بخش کشاورزی ۶/۲ میلیارد دلار تعیین گردیده بود.

کرچه طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ دولت موفق شد صادرات غیرنفتی را از رقم ۸۹۴/۴ میلیون دلار به بیش از سه میلیارد دلار برساند، ولی در سال ۱۳۷۴ ناگهان این رشد متوقف شد و سیر نزولی آغاز گردید.

صادرات غیرنفتی ۲۷ درصد و صادرات محصولات کشاورزی ۲۲ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. کارشناسان بر این باورند که اگر سیاست‌های پولی، ارزی و بازرگانی به درستی اجرا می‌شد، می‌توانست این کاهش پیش نیاید. برای بررسی جایگاه کشاورزی در عرصه صادرات و بررسی مسایل و مشکلاتی که در این روند تأثیر می‌گذارد، با چند تن از کارشناسان، میزگردی برگزار گردید که ماحصل آن را با هم می‌خوانیم.

چه صادر کنیم، چگونه

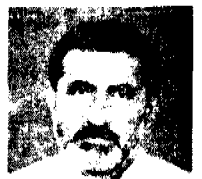
شرکت‌کنندگان در میزگرد:

آقای دکتر محمدرضا رفعتی،

دکترای اقتصاد و عضو هیأت علمی پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی



آقای عبدالغفار شجاع، نماینده مردم بندرانزلی در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون کشاورزی و عمران روستاها،



آقای خضری، صادرکننده

میوه، مرکبات و مواد غذایی.



آقای سیداحمد رسولی‌نژاد نماینده مردم دماوند و فیروزکوه در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی و مخبر کمیسیون بازرگانی و توزیع



ماهنامه: با یاد و نام خدا، ضمن تشکر از حضور میهمانان گرامی که دعوت ما را پذیرفتند و برای بررسی مسایل و مشکلات پیرامون صادرات محصولات کشاورزی در دفتر ماهنامه حضور به هم رسانیدند، بحث را با چگونگی سیاست صادراتی محصولات کشاورزی آغاز می‌کنیم.

برای صدور این محصولات از کدام جهت باید حرکت کرد؟ آیا این باور را بپذیریم که اصل را بر صدور مازاد تولید و مصرف داخلی قرار دهیم و آنچه باقی می‌ماند، صادر شود، یا به قول دکتر کلانتری (وزیر کشاورزی) بپذیریم که صادرات ما

آقای مهندس احمد ذاکری، مشاور و قائم‌مقام معاونت باغبانی وزارت کشاورزی، عضو اتاق بازرگانی ایران و آلمان و عضو هیأت‌مدیره اتاق مشترک بازرگانی ایران و استرالیا، دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های «اگرونومی»، «آمار و انفورماتیک» و «اقتصاد کشاورزی»



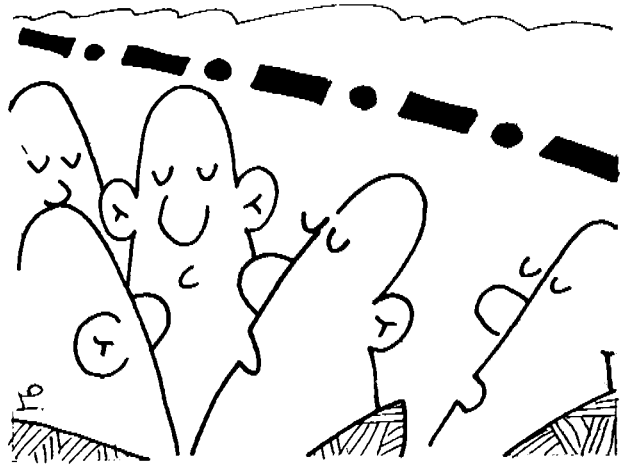
بلافاصله پسته، زعفران و فرش مطرح می‌گردد، در حالی که کالاهای دیگری داریم که از نظر ارزآوری با این محصولات برابری می‌کنند.

کشور ما با شرایط جغرافیایی فوق‌العاده، از انواع میوه اشباع است ولی بی‌برنامگی در بهره‌برداری از این تولیدات سبب می‌شود سالانه ضایعات ۳۰ درصدی را متحمل شویم، در حالی که این محصولات می‌تواند نیاز جمعیت ۳۰۰ میلیونی همسایگان شمالی ما را تأمین کند و به راحتی می‌توان سالانه به درآمدی حدود ۳ میلیارد دلار دست یافت، زیرا با نزدیکی راه و سرعت حمل، می‌توان میوه ارزان را به آن سوی مرز رساند. هم‌اکنون محصول سیب و پرتقال کشور ما به قیمت دو دلار و انگور سه دلار در این کشورها خریدار دارد که در صورت برنامه‌ریزی دقیق، این بازارها کاملاً در اختیار صادرکنندگان ایرانی قرار خواهد گرفت. بنابراین صادرات باید برای ما اولویت داشته باشد. در بخش اعظمی از فرآورده‌های کشاورزی این توان موجود است.

رسولی‌نژاد: با توجه به نبود آمار و اطلاعات دقیق در مورد محصولات کشاورزی، نمی‌توان سیاست درستی را در پیش گرفت. نه تنها در زمینه کشاورزی که محور توسعه است، در هیچ مورد اطلاعات دقیق وجود ندارد. اما بحث کلی صادرات پیش از هر چیز بحث موقتی بودن، روزمرگی و فصلی و موسمی بودن آن است و این بحث همیشگی صادرات و صادرکنندگان است.

در دوره چهارم مجلس، قانون مقررات صادرات و واردات با پشتوانه جلسات کارشناسی گسترده در دولت و مجلس تصویب شد. اما همین قوانین اصلی و مهم، گاه با بخشنامه‌ها و مصوبات آنی و عجولانه دولت، به راحتی نادیده گرفته می‌شود و به این بهانه که با کمبود مواد غذایی و افزایش قیمت روبه‌رو خواهیم شد، تمام رشته‌ها پنبه می‌شود و تا هنگامی که این بینش، بخش‌هایی از مراکز تصمیم‌گیری بر روند صادرات حاکم است، که «صادرات، خروج سرمایه‌های ملی را به همراه خواهد داشت.» متأسفانه ناگزیر باید شاهد مشکلات امروز صادرکنندگان باشیم که تأکید می‌کنم ناشی از سیاست‌های شتابزده بخشی است.

○ محوریت کشاورزی نقطه اتکا بود که در اجرا دچار نقص شد.



عمدتاً کالاهای مستحبی مانند پسته، زعفران و... است و خریداران آن نیز کشورهای پولدار هستند. یا اساساً با یک کار تحقیقی و شناسایی علایم مشخصه بازار از این پس برای چگونگی صادرات و اینکه چه صادر کنیم، برنامه‌ریزی دقیقی انجام دهیم؟

○ شجاع:

نیاز بازار باید مدنظر قرار بگیرد

شجاع: طبیعی است باید مازاد نیاز بازار مدنظر قرار بگیرد و سیاست تنظیم بازار نیز بر همین اساس شکل گرفته است. البته برخی از محصولات با ارزآوری بالا، مانند پسته و خاویار می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گیرد، زیرا بخشی از نیازهای ارزی کشور را می‌توان از این محل تأمین کرد.

در حال حاضر هم تولیدات بخش کشاورزی به‌گونه‌ای است که در صورت بها دادن به تحقیقات و ترویج و آموزش، ظرفیت تولید از نظر کمی و کیفی جوابگوی صادرات خواهد بود.

خضری: پیش از اینکه وارد بحث شوم، پیشنهادی دارم. بهتر است با حضور افرادی که در زمینه صادرات کار تجربی انجام داده‌اند، جلسه دیگری تشکیل شود تا مسایل و مشکلات را از زبان آنها نیز بشنویم.

اما پرسشی برای خودم مطرح است. اینکه چرا هر زمان از صادرات محصولات غیرنفتی سخن به میان می‌آید،

درستی نیست. مثال بارز آن نفت است. اگر این سیاست در پیش گرفته شود، باید از صدور نفت خودداری کنیم، زیرا در نهایت برای ۴۰ سال دیگر نفت نخواهیم داشت. پس از هم‌اکنون برای مصرف داخلی در آن سال‌ها نفت را ذخیره کنیم.

ما نفت صادر می‌کنیم تا از محل درآمد آن سرمایه‌گذاری زیربنایی انجام دهیم. بحث این است که ما می‌توانیم و باید صادرات محصولات باغی و میوه‌جات داشته باشیم. بعد از این سیاست باید روی نوع میوه‌جات بحث داشته باشیم. آنچه طی این سال‌ها بازار نشان داده است، با تولید ۹ میلیون تن میوه در ردیف ده کشور عمده تولیدکننده در جهان هستیم و ده نوع محصول عمده برای صادرات داریم. خشکبار که پسته نیز در همین رده‌بندی قرار می‌گیرد، خرما با تولید حدود ۱۰۰ هزار تن، سیب و کنسائتره آن، انگور و کشمش حاصل از آن که در سال‌های مناسب حدود ۱۰۰ هزار تن تولید داریم. انار، زعفران و مقداری کیوی که به‌تازگی در این رده قرار گرفته است.

بنابراین چارچوب محصولات باغی مشخص است، باید برای افزایش کیفیت آنها تلاش کرد.

دکتر رفعتی: بنده در این جلسه به ابراز نظر کارشناسی و دیدگاه خود می‌پردازم. این بحثی که در مورد صدور مازاد مصرف داخلی وجود دارد، سیاست درستی نیست. ممکن است ظاهراً درست جلوه کند، اما در عمل مشکلات کار شدیداً نمایان می‌شود. در واقع این همان بحث توسعه صادرات و جایگزینی واردات است که در پی آن امنیت غذایی و قیمت برای مصرف‌کننده و... مطرح می‌گردد که با توجه به سیاست حمایت از مصرف‌کننده، پاسخگو نخواهد بود. به‌خصوص در کشوری مثل کشور ما که دوستان اشاره داشتند سیستم آماری نداریم و به همین دلیل میزان دقیق تولید و مصرف روشن نیست. نمی‌توان گفت مصرف امسال برابر است با مصرف پارسال به اضافه ۲ درصد رشد جمعیت، زیرا وقتی قیمت برنج تغییر می‌یابد، به تبع آن تقاضا برای سیب‌زمینی بیشتر می‌شود، یعنی کالاهای جایگزین مطرح می‌شود.

○ شورای اقتصاد، محلی است برای چانه‌زدن.

بر فرض اینکه آمار صحیح هم داشته باشیم و بر اساس

برگردیم به بحث این جلسه که کشاورزی است. روشن نبودن وضعیت تولید در مورد گندم سبب برنامه‌هایمان به هم بریزد و شدید بزرگ‌ترین واردکننده گندم. یعنی روی کالای استراتژیک که این همه حساسیت وجود دارد، به سبب فقر اطلاعات و آمار، توفیقی نداشتیم، چه رسد به دیگر محصولات، گرچه سیل و خشکسالی و عوامل طبیعی نیز دخیل بودند، اما عوامل انسانی و مدیریتی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

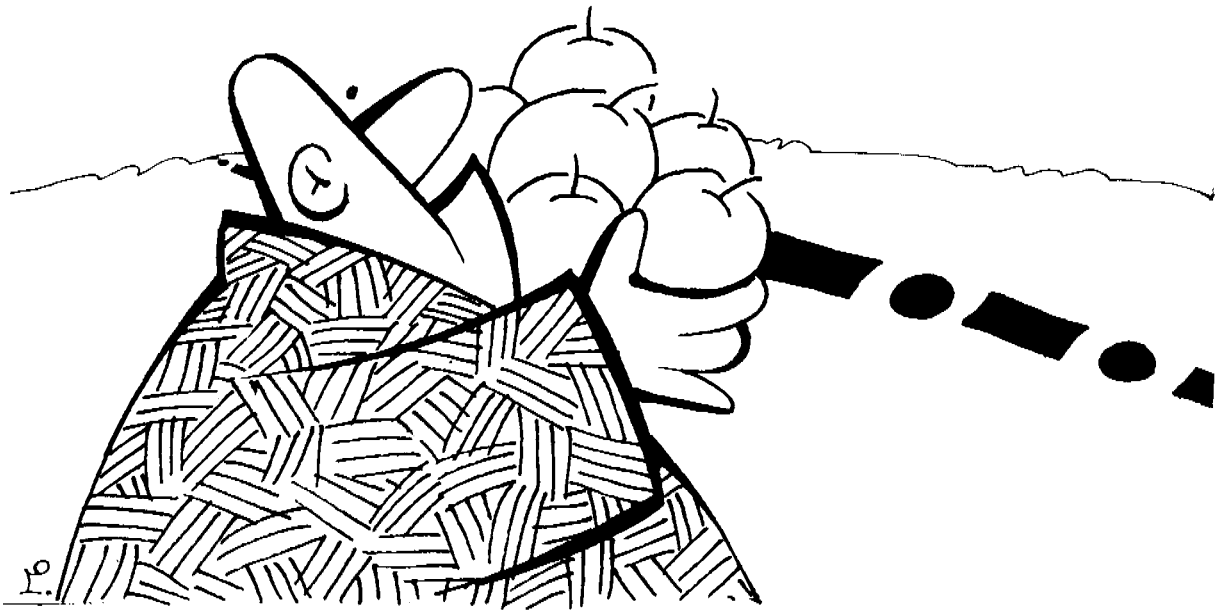
○ در سال ۵۳ صادرات خرما ۱۳۰ هزار تن بود و سال گذشته ۵۱ هزار تن.

کشورهایی هستند که مشکل سرزمینی دارند و وضعیتی به مراتب بدتر از ما، ولی توانسته‌اند نیازهای غذایی خود را فراهم کنند. بنابراین تا آمار و اطلاعات نباشد و امکانات فراهم نگردد، نمی‌توان برنامه‌ریزی دقیقی داشت.

مهندس ذاکری: اجازه بدهید پیش از اعلام نظر درباره سیاست صادراتی به موضوعی که آقای رسولی‌نژاد اشاره داشتند، بپردازم.

اصولاً با توجه به شرایط موجود، تولید گندم روبه افزایش بود. به استثنای سال گذشته که خشکسالی موجب گردید به کلیه محصولات زراعی آسیب وارد شود، که متعاقباً واردات افزایش یافت.

برادرمان فرمودند کشورهایی با شرایط آب‌وهوایی بدتر از ما، تولیدکننده مایحتاج خود هستند. بسیار متشکر خواهیم شد که مشخص بفرمایند این کشورها کدامند. اما من می‌گویم کشورهایی هستند با امکانات بسیار پیشرفته‌تر از ما، به‌طور مثال انگلستان، که بیش از نیمی از مایحتاج خود را نمی‌تواند تأمین کند. البته باید توجه داشت که این بدان معنی نیست که تمام نیازهای خود را می‌تواند و باید تأمین کند. ممکن است کشوری در پاره‌ای زمینه‌ها برای تولید، امکانات بهتری داشته باشد که با کیفیت و قیمت بهتری تولید نماید و می‌دانیم در مبادلات جهانی کشورهای مختلف، مایحتاج خود را آن‌گونه که مطلوبشان هست، تأمین می‌کنند. البته من معتقدم در مورد کالاهای استراتژیک غذایی مانند گندم و برنج و برخی محصولات زراعی باید حداقل ۷۰ تا ۸۰ درصد خودکفا باشیم. ولی با این نظر که صادرات وابسته به مصرف داخل باشد، مخالف هستم. اینکه مازاد مصرف صادر شود، سیاست



جای بحث دارد. چون یک اثر کاهشی اولیه و یک اثر افزایشی ثانویه به وجود می‌آید. به نظر من نباید این اتفاق پیش بیاید، حتی اگر در مقطعی قیمت یک کالا مثلاً سیب زمینی دو برابر شود. زیرا در این شرایط قیمت یک کالای دیگر ثابت خواهد ماند و این دو یکدیگر را خنثی می‌کنند. البته تمهیدات دیگری هم هست. اگر در اثر صادرات در بازار داخلی کمبودی پدید آمد، دولت واردات در مقابل صادرات را باید آزاد اعلام کند. وقتی برنج داخلی روی دست کشاورز مانده است، به او اجازه بدهید و در صورت لزوم مجوز واردات برنج هم برایش صادر گردد. چون همه مردم توان خرید برنج کیلویی ۲۰۰ یا ۵۰۰ تومان را ندارند.

○ خضری:

صادرات میوه به کشورهای همسایه شمالی می‌تواند سالانه ۳ میلیارد دلار ارزیابی داشته باشد.

در اینجا یک رقم درآمدی صدور میوه به کشورهای تازه استقلال یافته اعلام شد. باید بگویم با استناد به آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، امکان درآمد سه میلیارد دلار از این راه وجود ندارد، زیرا قیمت واحد میوه‌های صادراتی ۱۰ سنت و کمتر است. اگر بخواهیم سه میلیارد دلار درآمد کسب کنیم، باید صادرات میوه ما ۳۰ میلیون تن باشد، در حالی که همین جا گفته شد تولید ما ۹ میلیون تن است. بنابراین بنده

آن بخواهیم سهمیه‌بندی کنیم، خودتان مطلع هستید و بارها طی سال‌های گذشته دیده‌ایم که به عقیده بنده یکی از مصدق ثروت‌های بادآورده همین سهمیه‌بندی‌ها و مجوزهای صادراتی است. صدور کالاهایی منع می‌گردد و بعد یک مجوز ۲۰ هزار تنی برای صدور داده می‌شود. از محل فروش این مجوز، صاحب مجوز بدون انجام کاری سود می‌برد. بنابراین در کنار چنین مفاسدی، این سیستم اصلاً قابلیت ندارد.

درباره منافع تجارت بین‌المللی و صادرات و واردات، کتاب‌های بسیار نوشته شده، و همه دست‌اندرکاران خوانده‌اند، اما هیچ‌کس حاضر نیست به آن عمل کند. حسن عمده تجارت بین‌المللی این است که کالای خارجی ارزان خرید می‌شود و کالای داخلی در بازار خارج گران‌تر فروخته می‌شود. کالایی که مزیت دارد، قیمت تمام‌شده آن در داخل پایین است ولی در خارج پول بیشتری برای آن می‌دهند. طبیعی است وقتی آن کالا صادر شود، قیمت داخلی آن هم افزایش می‌یابد. اگر برای جلوگیری از افزایش قیمت، جلوی صادرات گرفته شود، سیاست غلطی اعمال گردیده است، نمونه روشن آن موضوع مرغ و تخم‌مرغ است. برای پیشگیری از افزایش قیمت، صدور مرغ و تخم‌مرغ منع می‌گردد و به‌طور مصنوعی قیمت این کالا پایین نگه داشته می‌شود. نتیجه این سیاست، قطع سرمایه‌گذاری برای تولید مرغ و تخم‌مرغ خواهد بود. در نتیجه کاهش تولید پیش می‌آید و کاهش تولید یعنی افزایش قیمت در آینده و هیچ جای بحث ندارد. ولی اینکه قیمت یا شاخص قیمت‌ها کنترل شده است،

مشابه از آن سود ببرد. بنابراین دولت باید در این زمینه به یاری بخش خصوصی بشتابد. علاوه بر آن، دولت باید بخشی از سرمایه‌گذاری مربوط به حمل و نقل و بسته‌بندی را برعهده بگیرد.

مسأله بعدی قوانین و مقررات می‌باشد، که عامل بازدارنده کار است. در یک سال چند بار بخشنامه‌های ضد و نقیض تصویب و اعلام می‌شود که علاوه بر سردرگمی صادرکننده، خریدار را نیز با مشکل روبه‌رو می‌سازد. این مسایل به شدت به کار صادرات آسیب می‌رساند.

اجازه بدهید در اینجا به تصمیمی که در مورد فرش گرفته شد، اشاره‌ای داشته باشیم. آمدند و صددرصد ارز حاصل از صادرات فرش را صرف واردات کردند. در حالی که آسیب‌پذیری فرش نسبت به میوه‌جات که به سرعت فاسد می‌شود صفر است. باید این تصمیم در مورد محصولات باغی هم اتخاذ می‌شد و ارز حاصل از صادرات میوه و صنایع تبدیلی و فرآورده‌ها در اختیار صادرکننده آن قرار می‌گرفت، تا کالای دیگری وارد کند. این استدلال که گفته می‌شود ارز نباید در اختیار صادرکننده محصولات باغی قرار بگیرد، صحیح نیست، زیرا خروج ارز در مورد میوه‌جات وجود ندارد. اگر جلوی صادرات میوه گرفته شود، در کشور می‌ماند و فاسد می‌شود.

دکتر رفعتی: بنده با بحث یارانه که مطرح کردید، موافق نیستم. بحث تعرفه و یارانه در اقتصاد سبب تحریف قیمت‌ها می‌شود. شما در یک کالا مزیت دارید، آن را رها کنید در را باز بگذارید، اگر برای صادرکننده صرف داشت، صادر می‌کند. زیرا دولت که از خودش یارانه نمی‌پذیرد. از یک کالا می‌گیرد، به کالای دیگر یارانه اختصاص می‌دهد. یا تعرفه گمرکی یک جای دیگر را افزایش می‌دهد. چرا اصرار داریم مزیت‌های نسبی را که علایم قیمتی نشان می‌دهند، نادیده بگیریم. مگر از پسته و فرش حمایت خاصی به عمل می‌آید؟ در این کالاها مزیت داریم و یارانه هم نمی‌دهیم، پس بهترین راه این است که نه ظلم کنیم و نه امتیاز بدهیم. البته بند کاربرد تعرفه را در اقتصاد قبول داریم ولی برای یک سری صنایع آینده‌نگر که از بازده صعودی به مقیاس تولید برخوردارند، از تعرفه باید برای استراتژی هجوم صادراتی استفاده کرد. آنچه کره جنوبی و ژاپن انجام دادند، در این راستا، یارانه قابل مطرح است. ولی در ارتباط با پیاز و سیب‌زمینی فکر نمی‌کنم هیچ اقتصاد دانی در دنیا به اختصاص یارانه معتقد باشد.

مهندس ذاکری: ضمن اینکه من با عدم اختصاص

معتقدم، در تدوین برنامه دوم توسعه، اشتباه بزرگی روی داد و آن محوریت کشاورزی بود. آن هم بژای کشاورزی که سیاست توسعه صادرات دارد.

گزارشی برای ایران ۱۴۰۰ در بخش کشاورزی تهیه شده است، بر اساس آن، بیشترین رقم صادرات بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار است، در حالی که هدف ما رسیدن به ۱ درصد تجارت ۲۰۰ میلیارد دلاری جهان است. پس کشاورزی، بی‌کشاورزی. با عرض معذرت باید بگویم این مسأله محدودیت ارزی و امنیت غذایی بود که تصمیم‌گیران را ناچار کرد کشاورزی را محور قرار دهند. محور باید صنعت باشد، هیچ راه دیگری نداریم. البته صنایع تبدیلی از محصولات کشاورزی نیز کمک می‌گیرند و در کنار آن کشاورزی نیز تقویت خواهد شد. باید اضافه کنیم محوریت کشاورزی از یک سیاست کلی دیگری ناشی می‌شود، هر زمان محدودیت ارزی برای اقتصاد پیش می‌آید، کشاورزی محور می‌شود و هر وقت گشایش ارزی وجود دارد، سرمایه‌گذاری و صنعت اولویت می‌یابد.

رسولی‌نژاد: باید توجه داشت برای هر صادراتی در شرایط کشور ما، باید به تولیدکننده چه در بخش صنعت و چه کشاورزی یارانه داده شود. قیمت تضمینی برای کشاورز مناسب نیست. کشاورز به دلیل مشکلات صادرات و هزینه‌های تمام شده رغبتی به تولید ندارد. مسایل و مشکلات صادرات از زمان تولید تا صدور و بازگشت ارز ادامه می‌یابد، قوانین و مقررات از یکسو، بسته‌بندی و عدم مرغوبیت کالا از سوی دیگر، گذشته از اینها ناآشنایی صادرکننده به کار صادرات نیز مزید بر علت می‌شود که این بی‌میلی افزایش یابد.

○ رسولی‌نژاد: بحث اصلی صادرات و صادرکنندگان، روزمرگی و فصلی بودن آن است.

مهندس ذاکری: مسأله ورود به بازار، کار ساده‌ای نیست. در نظر بگیری تمام کشورهایی که تولید مشابه دارند، در رقابتی فشرده برای کسب بازار تلاش می‌کنند. بنابراین برای ورود به بازار، باید سرمایه‌گذاری‌های مناسبی انجام شود. انواع سرمایه‌گذاری‌های تبلیغاتی که معمولاً تولیدکننده‌ها و بخش خصوصی در ابتدای کار حاضر به انجام آن نیستند. هیچ سرمایه‌گذاری ۱۰۰ هزار دلار برای تبلیغ سرمایه‌گذاری نمی‌کند تا شخص دیگری با عرضه کالای

بنابراین از یک سو می‌گوییم «یارانه» نه و دولت امکاناتی نمی‌دهد. بسیار خوب، لاقلاً اجازه بدهید تولیدکننده با توجه به هزینه تمام‌شده بفروشد. البته بحث نظارتی دولت در جای خودش محفوظ است.

○ مراکز متعدد بازرگانی در سازمان‌های مختلف باید تعطیل شود.

شجاع: فکر می‌کنم وضعیت صادرات را نمی‌توان در یک جلسه بررسی کرد. کار تولید محصولات کشاورزی در دست مردم است و بخش کوچکی در دست دولت قرار دارد. در ارتباط با تأمین اعتبارات و تسهیلات و نهاده‌های کشاورزی، باید وظیفه و سیاست دولت قطعی و مشخص باشد. گام بعدی پایدار کردن سیاست کاشت و تولید در کشور است. وقتی این سیاست‌گذاری پا می‌گیرد که قیمت خرید تضمینی مناسب باشد. در مرحله بعد، مسأله نگهداری و داشتن اعتبار برای خرید به‌موقع است. یا باید این امکانات برای تولید فراهم شود و یا آن‌گونه که آقای دکتر رفعتی گفتند مردم را آزاد بگذارند تا خودشان بدانند مواد اولیه را چگونه تأمین نمایند و بر اساس نیاز جامعه و منطقه چه نوع تولیدی داشته باشند. سپس با بهره‌گیری از امکانات دولت، به صادرات بپردازند. بنابراین، اولین حرکت برای صادرات، تولید با کیفیت جهانی است، در غیر این صورت بحث کردن درباره موضوع، بی‌مورد است.

مستأسفانه پیمان ارزی در سال‌های گذشته عامل بازدارنده‌ای برای صادرات بوده است. گرچه گروهی بر این باورند تسهیلاتی که در اواسط سال ۱۳۷۵ داده شد، صادرات را رونق بخشیده است.

امکانات فراوانی برای تولید داریم. همین اختلاف دمای ۳۰ تا ۴۰ درجه در کشور این امکان را می‌دهد که مثلاً در جنوب دو نوبت در سال برنج برداشت کنیم، یا همزمان در بهار و تابستان سیب‌زمینی برداشت کنیم.

ماهنامه: مشخصات اقلیمی کشور ما همواره از نقاط بالقوه در کشاورزی ما بوده است. اما هیچ‌گاه اهداف پیش‌بینی شده تحقق نیافته است. مشکل در کجاست، برنامه‌ریزی یا اجرا؟

شجاع: مسأله ما کنترل در کشت است. اگر به آن سو برویم که کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها رفتند، نتیجه ندارد، چون این سیاست پیشتر با شکست روبرو شد. باید به‌موقع

یارانه موافق هستیم، ولی مثال شما صادق نیست. اشاره به فرش داشتید، باید توجه داشت که فرش سابقه ۲۰۰ ساله دارد. زمانی وارد بازار جهانی شد که تقریباً بی‌رقیب بود و امروز نیازی به بازاریابی اولیه ندارد. ولی محصولات کشاورزی کام‌های نخستین را برای ورود به بازارهای جهانی برمی‌دارد. بنابراین به یارانه دولت برای معرفی خود نیازمند است.

دکتر رفعتی: مشکل اساسی برای ورود به بازار، کوچک بودن تولیدکنندگان ما است. راه آن اختصاص یارانه نیست. این نقص با تشکل‌های صادراتی جبران می‌شود. یک تولیدکننده تجربه بازاریابی در بازارهای خارجی را ندارد، اما یک تشکل صنفی در این زمینه کارگشا است.

مهندس ذاکری: حتماً همین‌طور است و این می‌تواند یک راه باشد.

دکتر رفعتی: صادرکنندگان تک‌تک وارد بازار می‌شوند و در کار یکدیگر کارشکنی می‌کنند. وقتی یک تشکل به‌وجود بیاید، دیگر سیب این شرکت و آن شرکت مطرح نیست. این سیب ایران است که در بازار حضور دارد.

رسولی‌نژاد: پیش از اینکه به بحث یارانه بپردازم، لازم است در مورد اظهارات خودم و برداشت مهندس ذاکری توضیحی بدهم. بنده نگفتم کشورهای تمام مواد غذایی خودشان را تولید می‌کنند بلکه اشاره داشتم از حداقل امکانات خودشان برای تولید استفاده می‌کنند و همین سبب ترقی آنها شده است.

در بخش دیگری به این موضوع پرداختم که دولت از یک سو جلوی صادرات را می‌گیرد و از طرف دیگر هزینه تمام‌شده تولید را افزایش می‌دهد.

آقای دکتر به موضوع مرغ و تخم‌مرغ اشاره داشتند. در حوزه انتخابیه بنده (فیروزکوه و دماوند) بیشترین تعداد مرغداری‌های استان تهران قرار دارد. من می‌دانم تولیدکنندگان این بخش چه می‌کشند. برای تولیدکننده از واردات دان تا بازدید دامپزشک، درصدهای عوارض و هزینه تعیین کرده‌اند. در حالی که برخی هزینه‌ها در بودجه دولت منظور شده است. بنده هزینه تمام شده این تولیدکنندگان را محاسبه کردم، واقعاً ارقام بیش از میزانی است که گفته می‌شود. اخیراً اتفاق دیگری افتاده است، اینکه با تعطیل کشتارگاه‌های سنتی، کار در انحصار کشتارگاه‌های صنعتی قرار گرفته و قیمت هم به‌وسیله همین خریداران انحصاری تعیین می‌شود که در نتیجه مرغ از کیلویی ۴۰۰ تومان به ۷۰۰ تومان می‌رسد.



نداشتیم. به طور مثال صادرات خرما در سال ۱۳۵۲ رقم ۱۳۰ هزار تن بود در حالی که در سال ۱۳۷۵ صدور ۵۱ هزار تن برای ما شادی به همراه آورد.

علت این افت در صادرات خرما، تنها مقررات پیمان ارزی بود که در ابتدا برای هر تن ۱۰۰۰ دلار و سپس ۶۰۰ دلار و در نهایت ۴۰۰ دلار تعیین گردید. اخیراً آقایان در کمیسیون کشاورزی اعلام کردند مسأله ما این گونه حل نمی‌شود.

اخیراً گروهی از تولیدکنندگان گل و گیاه در نشست اعلام کردند، طرحی ارایه می‌دهند که ظرف هشت سال به اندازه درآمد نفت، درآمد ارزی کسب کنند. البته شاید افراط می‌کردند، ولی حل مسأله حمل و نقل در مورد فعالیت این گروه، حیاتی است. همان طور که آقای دکتر رفعتی اشاره داشتند، تشکل‌های صادراتی می‌تواند این مهم را سامان بدهد. باید از تشکل‌های پسته و قالی به عنوان نمونه استفاده کرد. ما نبود تشکل را در خرما و پنبه تجربه کرده‌ایم. زمانی پنبه اولین محصول صادرات غیرنفتی ما بود، امروز ۷۰ هزار تن پنبه در انبارها و کارخانجات بدون استفاده مانده است. در حالی که پنبه ایران با داشتن الیاف بلند، بسیار مرغوب است. محصول دیگری که صادرات آن آسیب دیده، زعفران است. رقم صادراتی این محصول در سال ۱۳۷۵ به میزان ۴۸ تن بود که حدود ۸۰ تن نیز به صورت قاچاق به اسپانیا برده می‌شود. کشوری که تولیدش به سختی به ۱۰ تن می‌رسد.

به هر حال عدم وجود بسته‌بندی مناسب برای محصولات، به خصوص محصولات کشاورزی، سبب گردیده

خرید و به موقع توزیع کرد. البته بحث در مورد همه کالاها نیست. سخن در مورد کالاهای استراتژیک مانند گندم، برنج و غلات است. متأسفانه خرید تضمینی مانع سرمایه‌گذاری در کشور شده است. بر اساس آمارهای موجود، رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، ۲/۴ درصد است. ولی در صنعت، بیشترین میزان را داراست. ۴۷ درصد صادرات غیرنفتی مربوط به صنعت و ۲۹ درصد به بخش کشاورزی اختصاص دارد. با این‌همه، شرایط ما برای صادرات به کشورهای آسیای میانه مناسب است، البته در صورتی که تسهیلات و اعتبارات بانکی به یاری تولید بیاید.

○ مشکل اساسی برای ورود به بازار، کوچک بودن تولیدکنندگان ما است.

آقای دکتر رفعتی گفتند: محوریت کشاورزی، اشتباه برنامه دوم بود، اما بنده معتقدم هیچ بخشی به اندازه بخش کشاورزی قابلیت رشد ندارد. برنامه خوب اجرا نشد، البته ما به صنایع نیاز داریم، ولی چون در یک جنگ فرهنگی با دنیا درگیر هستیم، باید حداقل ۷۰ تا ۸۰ درصد محصولات موردنیاز را خودمان تولید کنیم، حتی اگر در این راه زیان ببینیم. ما چاره‌ای جز تولید مطلوب با کیفیت بالا نداریم. اگر به تولید توجه شود، سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش می‌یابد و در نهایت زمینه صادرات فراهم می‌آید. ولی همان طور که گفتیم، عملکرد خوبی

بنابراین، باید از صادرات مواد خام و پردازش نشده به شدت جلوگیری کرد. اگر در بخش کشاورزی آن قدر که روی حجم تولید کار می‌شود، روی پردازش و بسته‌بندی و صنایع فرآوری تلاش شود، ارزش درآمد ارزی بالا خواهد رفت.

این موضوع در بخش معدن نیز صادق است. سنگ ایران مفت و مجانی به قیمت ۵ سنت صادر می‌شود. بنابراین، در کوتاه‌مدت باید به این سو حرکت کرد که محصولات در داخل فرآوری شود، در غیر این صورت رسیدن به صادرات تا ۸ میلیارد امکان‌پذیر نخواهد بود. باید صدور مواد خام و پردازش نشده به تدریج ممنوع گردد. سیاستی که اندونزی و مالزی در مورد صادرات چوب در پیش گرفتند. ظرف پنج سال صادرات چوب خام ممنوع شد و تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به سوی تولید تخته سه‌لا و الوار و... روی آوردند.

مهندس ذاکری: نکته دیگر که بدون تردید بر صادرات ما اثر خواهد گذاشت، موضوع تورم داخلی است. افزایش تورم به تدریج صادرات را محدود خواهد کرد. سالی ۲۰ تا ۲۵ درصد تورم داریم. این امر افزایش قیمت در داخل را در پی خواهد داشت و محصولات تولیدی، قابلیت رقابت خود را از دست خواهد داد.

دکتر رفعتی: این بحث در سال‌های اخیر در مجامع مختلف مطرح شده است که اگر صادرات می‌خواهید، تثبیت اسمی نرخ ارز جوابگو نیست و به مرور تورم، قدرت رقابتی را از بین می‌برد. پیشنهاد ما تثبیت نرخ واقعی ارز بود. یعنی نرخ با محاسبه تورم داخلی و تورم جهانی یا به زبان ساده‌تر، قیمت نسبی کالای تولید داخلی ثابت خواهد ماند و قدرت رقابت از ناحیه ارز لطمه نمی‌بیند.

○ مهندس ذاکری:

صدور مازاد، سیاست درستی نیست.

چند سال پیش، با رها کردن همه چیز، شوکی پدید آمد که نگران‌کننده شد. به هنگام تدوین برنامه دوم توسعه به همراه دوستانی از سازمان برنامه و بودجه، در کمیسیون بازرگانی حضور داشتیم. در آن جلسه برخی معتقد بودند حتی سیستم نظارت شده ارز اشتباه است. همان جا گفتم شما با این چندین هزار میلیارد نقدینگی که دارید اگر مشکلی پیش آید، آیا می‌توانید پاسخگو باشید، که معتقدید بدون مدیریت و نظارت

صادرات به صورت «فله» انجام گردد. در حالی که متمرکز کردن عوامل خدماتی، می‌تواند این حرکت زنجیره‌ای را سامان بخشد و صادرکنندگان محصولات کشاورزی هم باید آزاد باشند، تا در قبال صادرات، نهاده‌های کشاورزی را وارد کنند نه هر کالای دیگری.

○ مرکزیت قانون‌گذاری باید حفظ شود.

ماهنامه: ظاهراً در بحث تشکل‌های صادراتی که آقای دکتر رفعتی اشاره داشتند، اتفاق نظر وجود دارد. لطفاً در این مورد با اشاره به نقش و تأثیر تسهیلات بانکی و حمایت‌های بیمه‌ای، توضیح بیشتری بفرمایید.

دکتر رفعتی: پیش از اینکه به موضوع تشکل‌ها بپردازم، باید در مورد تسهیلات بانکی اشاره‌ای داشته باشم. آقایان توجه دارند که بخشی از این موضوع به مجلس مربوط می‌شود، لذا باید در آنجا حل و فصل شود. بخشی نیز از طریق سیستم بانکی در قالب تسهیلات تکلیفی از محل نقدینگی در اختیار دولت و مجلس قرار می‌گیرد. مقدار زیادی از این اعتبارات در دست شرکت‌های دولتی است. بنده معتقدم دولت باید این شرکت‌ها را رها کند، هم بارش سبک می‌شود، و هم پولی که بدون انگیزه فعالیت، در اختیار این شرکت‌ها قرار می‌گیرد، در سیستم بانکی می‌ماند و در جای درستی هزینه می‌شود.

اما تشکل‌های صادراتی، می‌توان این تشکل‌ها را در سطح مملکت ایجاد کرد. مثلاً چند استان همجوار، در یک شهر، مجمعی را تشکیل دهند و به‌طور مشترک دفتری را به عنوان مثال در باکو دایر کنند. این دفتر، اطلاعات مربوط به بازار منطقه را جمع‌آوری می‌کند و در اختیار دفتر داخلی قرار می‌دهد. حضور یک یا دو کارشناس بازرگانی خارجی می‌تواند کمک مؤثری در امر صادرات در این دفاتر باشد.

اما مسأله مهم در صادرات کشاورزی، بحث فرآوری آن است. پایین بودن ارزش واحد صادرات، ضربه سختی به صادرات می‌زند. بر اساس آمارهای موجود، کل صادرات از ارزش واحد ۷۰ سنتی برخوردار است. چنانچه فرش و پسته از آن جدا شود، این ارزش به ۴۰ سنت سقوط می‌کند، با جدا کردن چند قلم دیگر، به ۲۰ سنت و در مورد کالاهای کشاورزی به ۱۰ و پایین‌تر از ۱۰ سنت می‌رسد.

اقداماتی را آغاز کرده است. مقرر گردیده است هفته‌ای یک بار در یک جلسه غیرعلنی، مسایل روز با حضور مسؤول یا مسؤولان مربوطه به بحث گذاشته شود و راهکارهایی اندیشیده شود.

در نخستین جلسه، مسایل و مشکلات کشاورزی مطرح گردید و موضوع نخست مربوط به کاهش بودجه عمرانی بخش کشاورزی بود. بودجه عمرانی سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ حدود ۲۷/۲ درصد کاهش یافته است. در آن جلسه نامه‌ای به عنوان آقای خاتمی رییس‌جمهوری محترم تهیه و درخواست گردید تا از بودجه عمرانی بخش کشاورزی کاسته نشود.

جلسه دیگری نیز در مورد کشاورزی تشکیل شد که همه مسؤولان بخش (وزیران کشاورزی، جهاد و بازرگانی و معاونان سازمان برنامه و بودجه) حضور داشتند، که پس از دو ساعت و نیم بحث و گفت‌وگو، خطوط اصلی موضوع تعیین گردید و مقرر شد هر بخش، مشکلات کار را تعیین و در جلسات بعدی، اولویت‌ها مشخص گردد. سپس بر این اساس، در کمیته‌ها و ستادهای بررسی که برای هر بخش تشکیل می‌شود، بررسی‌ها آغاز گردد. در جلسه بعدی که به همین منظور برپا می‌شود، دست‌اندرکاران بخش کشاورزی، نقاط ضعف در امر تولید، فرآورده‌های محصولات و صادرات را مطرح خواهند کرد. در نهایت حاصل این جلسات به صورت طرح و لایحه به مجلس تقدیم خواهد شد.

رسول‌نژاد: به نظر می‌رسد هنوز پاسخ

برگزارکنندگان جلسه در مورد این که مشکل کار کجاست، در برنامه‌ریزی یا اجرا رایج نشده است.

ماهنامه: بله، دقیقاً همین موضوع مطرح است.

رسول‌نژاد: به نظر بنده، اصلاح اصلی باید در دیدگاه تصمیم‌گیران به وجود آید. در مجلس، کار کارشناسی انجام می‌گیرد. کمیسیون‌ها زحمت می‌کشند و قانون هم تصویب می‌شود، اما این تنها مجلس نیست که قانون‌گذاری می‌کند. در کنار آن ستاد تنظیم بازار و شورای اقتصاد هم حضور دارند که با یک مصوبه، قانون مجلس وتو می‌شود و بلااثر باقی می‌ماند. مشکل، دیدگاه حاکم بر بخش است. این طرز تفکر که صادرات یعنی خروج سرمایه‌های ملی، با این بینش ما موفق نخواهیم شد.

○ **تورم موجود، به تدریج توان صادراتی ما را کاهش می‌دهد.**

حرکت کنیم؟ متأسفانه در کارهایمان همیشه افراط و تفریط داریم.

ما معتقدیم در شرایط فعلی و وجود نقدینگی در دست مردم، ارز آزاد نباشد. ولی باید نرخ واقعی ارز برای پنج سال تثبیت شود. زیرا نرخ فعلی جوابگوی صادرات نیست. البته علایم افزایش تدریجی نرخ واقعی ارز با بردن واریزنامه در بورس و یا تخفیف پیمان ارزی دیده می‌شود. با معقولانه شدن نرخ واقعی ارز، صادرکننده قادر خواهد بود افزایش هزینه‌هایش را جبران کند.

خصری: مشکل ارز در ارتباط با صادرات را چه کسی باید حل کند. کدام سازمان مسؤول حل آن است و پاسخگو کیست؟

دکتر رفعتی: به نظر بنده مشکل مادر مملکت، سازمانی نگاه کردن به مشکلات است. مثلاً بانک مرکزی می‌گوید من حافظ ارزش پول مملکت هستم، اگر در این راستا به صادرات لطمه بخورد، من مسؤولیتی ندارم. نرخ دلار ۳۰۰ تومان و این بخشنامه‌ها. بعد جلوی صادرات و واردات گرفته می‌شود و سیاست‌های انقباضی به اجرا درمی‌آید. در نتیجه صنعت و کشاورزی و... همه آسیب می‌بینند و بانک نیز دیر یا زود با کاهش درآمد ارزی دچار مشکل خواهد شد. چون تقاضا تغییر نکرده، به ناچار باید جهشی عمل کند. همان‌گونه که پیش آمد و دلار از ۷ تومان به ۱۴۰ تومان و سپس به ۳۰۰ تومان رسید.

○ **دولت باید برای تبلیغات و حمل و نقل صادرات، یارانه بدهد.**

بنابراین آنچه باید مشخص گردد، یک هدف واقع‌بینانه است و در پی آن میزان رشد، صادرات و تورم قابل تحمل، همه و همه باید تعیین گردد. با این اطلاعات، سازمان‌ها بنشینند و برنامه‌ای تنظیم شود و همه نیز موظف به اجرای آن باشند. هیچ سازمانی مسؤولیت یک موضوع خاص را نداشته باشد. در واقع همه باید مسؤول صادرات باشند. باید تأکید کنم که در واقع صادرات باید خط‌دهنده باشد. یعنی کشاورزی و صنعت باید با هماهنگی، صنایع تبدیلی را تقویت کنند. بانک تأمین اعتبار نماید و بازرگانی وضع تعرفه‌ها و مقررات را سامان بخشد.

شجاع: اتفاقاً مجلس هم برای دستیابی به یک سیاست کلی و کارشناسان برای حل مسایل و مشکلات مملکتی

شجاع: کاملاً درست است.

قدم اول این است که مرکزیت به وجود آید. هر سازمان و وزارتخانه‌ای برای خودش یک بخش بازرگانی دارد و بر اساس سلیقه خود کار می‌کند. باید این بخش‌ها تعطیل شود و تصمیمات مربوط به بازرگانی کشور در یک مرکز اتخاذ گردد. شجاع: در یکی از جلسات مجلس به این نتیجه رسیدیم که تمرکز قدرت برای تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد. در قانون به صراحت قید شده است شورای عالی کشاورزی هر ماه تشکیل جلسه بدهد. در این شورا که به ریاست رییس‌جمهور تشکیل می‌شود، وزیران کشاورزی، جهاد، نیرو، صنایع و دو نفر از نمایندگان مجلس نیز عضویت دارند. متأسفانه از زمان تصویب آن در برنامه دوم توسعه تا به حال، سه بار جلسه تشکیل شده است که این سه جلسه بسیار سودمند بود اما ادامه نیافت. علت برگزار نشدن آن، تشکیلات وزارتخانه‌های مربوطه و تا اندازه‌ای هم کمیسیون‌های مربوطه بودند.

موضوع دیگری که مطرح شد و باید به آن اهمیت داد، بحث شورای اقتصاد است. این شورا اصلاً توجهی به کار کارشناسی ندارد و محلی است برای چانه زدن. هر کس بیشتر چانه زد، بیشتر می‌گیرد. تنظیم بازار هم نشأت گرفته از شورای اقتصاد است. این موانع سبب می‌شود ارتباط‌ها درست انجام نگیرد و در اجرا دچار مشکل شویم. جان کلام در نبود هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی است.

ماهنامه: از ۱۷/۸ میلیارد دلار درآمد ارزی پیش‌بینی شده از محل صادرات غیرنفتی در برنامه اول تنها ۶۵ درصد آن تحقق یافت. این رقم برای طول برنامه دوم ۲۷/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است که سهم بخش کشاورزی ۶/۲ میلیارد دلار تعیین گردیده است. با توجه به شرایط موجود و افت صادرات غیرنفتی به ویژه در بخش کشاورزی، به نظر می‌رسد حصول به این درآمد در سال‌های باقیمانده برنامه دوم غیرممکن خواهد بود.

مهندس ذاکری: من این گونه بدبین نیستم.

ماهنامه: آمار و ارقام نشان می‌دهد.

○ صادرات غیرنفتی به معنی خروج سرمایه‌های ملی نیست.

مهندس ذاکری: همان‌طور که یک مرتبه این آمار و ارقام، تغییرات نزولی را نشان داده، ممکن است عکس این حالت

○ دکتر رفعتی: ایجاد تشکلهای صادراتی، از ضروریات حرکت صادراتی است.

رسولی نژاد: سال گذشته، بعد از اینکه پیشنهاد جمعی از نمایندگان در مورد فرش به تصویب رسید، که ارز حاصل از صادرات در اختیار صادرکننده قرار گیرد، افرادی نپذیرفتند و از یک سو فهرستی از کالاهای قابل ورود تهیه شد و از سوی دیگر تلاش کردند شورای نگهبان را نیز متقاعد سازند که این مصوبه افزایش قیمت و بالا رفتن نرخ ارز را در پی خواهد داشت. در جلسه شورای نگهبان یکی از آقایان وزیران که حضور داشتند به صراحت اعلام کردند صادرات محصولات غیرنفتی یعنی خروج سرمایه‌های ملی، بنده اعتراض کردم و به ریاست شورای نگهبان گفتم، فرموده مقام معظم رهبری، و همچنین نظر بسیاری از کارشناسان این است که صادرات نفت به معنی خروج سرمایه‌های ملی است. نفت را این‌گونه دو دستی با قیمت بسیار ناچیز تحویل می‌دهیم و پس از مدتی مشتقات آن با قیمت‌های گزاف به ما تحویل می‌شود. به هر حال مادام که تصمیم‌گیران شورای اقتصاد و ستاد تنظیم بازار، دیدگاه خود را اصلاح نکنند، مشکل باقی خواهد ماند.

جای تأسف است که از این طرف تسهیلات بانکی و بودجه عمرانی مربوط به بخش‌های حیاتی مانند کشاورزی و صنعت کاهش می‌یابد و از آن سو به مصرف یارانه شیر و پنیر می‌رسد. در کوتاه‌مدت، مسکن خوبی است، ولی در درازمدت آثار و تبعاتی دارد که از هم‌اکنون باید پیشاپیش به‌سوی عوارض ناشی از سیاست انقباضی دولت برویم. امروز ۲۷ درصد از بودجه عمرانی کاسته می‌شود، سال آینده ۲۵ درصد، سپس نوبت به بودجه جاری می‌رسد و مسایل و مشکلات پس از آن بار دیگر دور تسلسلی را آغاز خواهد کرد.

باید مرکزیت قانون‌گذاری حفظ شود و مجری نیز مشخص گردد. آقای رییس‌جمهور باید عزم خود را جزم کنند و این معضل را حل نمایند. چنانچه مجلس تصمیمی گرفت و شورای نگهبان تأیید کرد و به دولت ابلاغ شد، دولت سلیقه‌ای و مطابق میل خودش عمل نکند و با سیاست بخشی‌نگری مصوبات به اجرا گذاشته نشود.

فرهنگ و آموزش چارچوب‌های قانونی و هماهنگی در دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گزاری و ایجاد تسهیلات برای اجرای قانون و مقررات شتاب‌دهنده است و نه بازدارنده.

در نشست امروز، پیشنهاد آقای دکتر رفعتی برای ایجاد یک تشکل صادراتی مورد توجه قرار گرفت و گفته شد این تشکل می‌تواند راه همواری باشد برای توسعه صادرات غیرنفتی. با این نگرش که مراکز و بخش‌های متعدد بازرگانی تعطیل شود و شورای اقتصاد و ستاد تنظیم بازار، نه در برابر مجلس بلکه با بینشی کارشناسانه همراه مجلس باشد و این دیدگاه که صدور کالاهای غیرنفتی «یعنی ائتلاف سرمایه‌های ملی» باید تغییر یابد.

همچنین اولویت صادرات در بخش کشاورزی با محصولات باغی و عمدتاً میوه و تره‌بار است و برای این منظور باید وسایط حمل و نقل مناسب در اختیار باشد و مشکلات گمرکی مربوط به صادرات این اقلام برطرف گردد. همزمان باید بر روی صنایع تبدیلی سرمایه‌گذاری مناسب انجام شود و با توسعه صنعت بسته‌بندی از صدور محصولات به‌صورت خام و پردازش نشده جداً خودداری شود. ضمن اینکه بازاریابی و تبلیغات برای محصولات صادراتی بخش، در مسیر پرتحرکی قرار گیرد.

شرکت‌کنندگان در جلسه بر این باورند که قیمت واقعی نرخ ارز با توجه به تورم داخلی و جهانی باید تعیین و برای مدت معینی تثبیت شود. ضمن اینکه به ارزش واحد صادرات نیز توجه خاصی بشود و با دوری جستن از بخشی‌نگری در سیاست‌گزاری و اجرا، پایه‌های یک حرکت منسجم و حساب‌شده در زمینه توسعه صادرات فراهم آید. انشاء...

○ صادرات به‌صورت خام و پردازش نشده باید به‌تدریج ممنوع شود.

نیز اتفاق بیفتد. از جمله همین تغییر درصد ارز ناشی از صادرات، تأثیر خوبی روی صادرات خواهد داشت. البته نقاط ضعف قسمت‌های مختلف برطرف گردد و مسایل مربوط به قوانین و مقررات، اعتبارات و تسهیلات بانکی، همزمان برطرف شود. چنانچه ظرف دو سال آینده نتیجه مطلوبی به‌دست نیامد، برنامه‌هایی در وزارت کشاورزی در دست تهیه است تا روند کار تسریع شود و در پنج سال آینده بتوان به اهداف پیش‌بینی شده دست یافت.

○ با بحث یارانه موافق نیستم مگر در بخش‌های استراتژیک. مشکل ورود به بازار، کوچک بودن صادرکنندگان است که با تشکل‌های صادراتی جبران می‌شود.

دکتر رفعتی: در اینجا لازم است در مورد فهرست کالاهای قابل ورود در مقابل ارز صادراتی توضیحی بدهم. بر اساس برآورد، تقاضا برای دلار صادراتی بالای ۱۰ میلیارد دلار است. البته علاوه بر حدود ۱۵ میلیارد دلاری که دولت تزریق می‌کند. آن زمان که مسأله ارز حاصل از صادرات فرش مطرح بود، اگر فهرستی از کالاهای قابل ورود تهیه نمی‌شد، در نتیجه برای واردات کالاهای ضروری، نیاز بازار به ارز افزایش می‌یافت. در نتیجه کمبود ارز، بار دیگر افزایش انفجاری دلار مانند سال ۱۳۷۳ پیش می‌آمد و بار دیگر در سیاست‌گزاری‌ها چرخشی صورت می‌گرفت، بلافاصله سیستم برمی‌گشت روی ارز ثابت و صددرصد پیمان، در حالی که هم‌اکنون صادرات و واردات بدون فشار بر بازار ارز در جریان است. با این تفاوت که در ازای صادرات، دیگر مرسدس بنز و کالای لوکس وارد نمی‌شود. آنچه به عنوان واردات داخل می‌شود، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای است که به تولید و در نهایت به صادرات کمک می‌کند.

ماهنامه: همان‌گونه که در اینجا اشاره شد، بحث صادرات با توجه به پیچیدگی‌های آن، فراتر از یک جلسه یا چند جلسه را می‌طلبد و این نیز مورد توافق است که اصول اولیه و ثابت موردنیاز برای توسعه صادرات و هر حرکت مطلوب اقتصادی هماهنگی در اجزای آن است، و پیش‌نیاز هر حرکتی در گام نخست، توافق بر اصل حرکت می‌باشد. ایجاد اشتراک فکری و برداشت‌های یکسان یا حداقل مشابه از مفهوم حرکت و دستیابی به آرمان‌های مشترک است و ابزار این مشارکت نیز